



دیدگاهها

مقدمه:

شاید همه کسانیکه حدود سی سال قبل دوران تحصیل ابتدائی را می‌گذرانده‌اند، یادشان باشد که اولین درس اتحاد و همبستگی را آن پیرمرد دنیا دیده به فرزندانش داد و با یک آزمایش ساده و چند عدد چوب، بطور عملی تأثیر هماهنگی و با هم بودن را در مقابله با ناملایمات و سختی‌های زندگی به نمایش گذاشت. داستانش مفصل است و در کتابهای ابتدائی سالهای ماضی به آن اشاره شده و اینجا تنها قصد یادآوری داشتیم.

بهر حال یکی از همکاران تحت عنوان «داروساز را به مناقصه نگذارید» مسائلی را پیرامون حقوق دکتر داروساز در داروخانه مطرح کرده‌اند که بعنوان یک مشکل باستی به آن توجه شود. ایشان به نکته مهم نقش انجمن داروسازان جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و اینکه این انجمن بایستی وظیفه انسجام وهماهنگی کلیه داروسازان را به عهده داشته و در موقع لزوم از حقوق آنها دفاع نماید. باری با هم نامه مورد اشاره را مرور می‌کنیم تا با گوشی‌ای از مشکلات همکاران آشنا شده و مسئولین را توصیه هر چه بیشتر به رفع گرفتاریهای آنها نماییم.

سودیر

سردیر محترم ماهنامه رازی: جناب آقای دکتر سیامک نژاد

لطفاً در صورت امکان این نامه را در مجله بچاپ برسانید تا لائق از این طریق صدای ما به گوش مسئولین و همکاران برسد.

با عرض سلام خدمت همکاران گرامی و دست‌اندرکاران محترم ماهنامه رازی، باری غرض از نوشن این نامه خدمت شما گلایه‌ای از همکاران و مسئولین وزارت بهداشت و درمان و انجمن داروسازان ایران در مورد اجحاف حقی که در مورد مسئولین فنی شاغل در داروخانه‌ها و یا همکاران جوانی که هنوز فاقد پروانه دائم بوده و بصورت قائم مقام انجام وظیفه می‌نمایند، را دارم سؤال من این است که چه کسی باید حقوق یک دکتر داروساز را تعیین کند و تکلیف حقوق داروسازانی که در شرایط کنوی بدلایلی نظریگرانی و یا سایر مشکلات قادر به احداث داروخانه نبوده و به عنوان مسئول فنی مشغول بکار هستند چیست؟ آیا حقوق ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان جهت ۸ ساعت کار که تمام روز را دربرمی‌گیرد در تهران برای یک داروساز



است که در این مهم انجمن داروسازان نیز بی تقصیر نیست. بطور خلاصه پیشنهاد می‌گردد یک حقوق معین و ثابت براساس نوع داروخانه از نظر سهمیه داروئی و فروش آن که از روی فاکتورهای داروئی مشخص است توسط معاونت محترم داروئی وزارت بهداشت با همکاری نظام پزشکی و انجمن داروسازان تعیین و به کلیه داروسازان ابلاغ گردد. این مسئله در بعضی استانها اجرا گردیده است. در پایان از خانمهای داروساز که اداره زندگی و مخارج آنها به عهده همسرانشان می‌باشد خواهشمندیم که با حقوق کم حاضر به کار نشوند.

با کمال تشکر دکتر مجید رضا میراحمدی

برای گشودن صفحه جدید که اختصاص به درد دلهای همکاران و نظریات آنها خواهد داشت بطور اتفاقی پرسشنامه‌هایی خدمت بعضی از آنان ارسال داشتیم. میزان برگشت پاسخ بیش از ۶۰ درصد بود که خیلی امیدوار کننده می‌نمود اما در میان پاسخها گاه به مواردی بخوردیم که از سرسوزی درونی نوشته شده بود و لاجرم مسائل از پشت عینکی دودی و گاه به شدت تیره ملاحظه شده بود بعنوان نمونه بخشی از نامه یکی از همکاران طبیب را منعکس می‌کنیم با این امید که شاید قانع شوند که اولاً برآن جراحت دیرین نیشتر بزند و شمه‌ای از مطالب اجتماعی را از دیدگاه یک پزشک برای همکاران جوان و تازه فارغ‌التحصیل مان (البته با دیدی کمتر بدینانه و نیز بقصد رفع نواقص و ارتقاء اعتبار جامعه پزشکی کشورمان) به رشته تحریر درآورند، ثانیاً دوستان دیگرمان نیز ترغیب شده در اداره نشریه خودشان نقشی فعالتر به عهده بگیرند و بخصوص با نگارش مطالب اجتماعی: مشکلات دست‌اندرکاران حرف پزشکی، توقعات مردم از آنان و توان آنها در



اینجانب افتاد را برای همکاران گرامی شرح می‌دهم و از مسئولین خواستار رسیدگی به حقوق واقعی داروساز می‌باشم. جهت کار به عنوان قائم مقام به داروخانه‌ای تلفن زدم و بعد از گفتوگو مبلغی را به عنوان حقوق پیشنهاد فرمودند و نتیجه قطعی را به هفته بعد موقول کردند. بطور اتفاقی یکی دیگر از همکاران به همان داروخانه تلفن کرده که ایشان نیز مبلغی حدود یک هزار تومان کمتر از مبلغی که به اینجانب پیشنهاد نموده بود را کرده بود و خلاصه بعد از یک هفتۀ مشخص گردید که همکار دیگری را با کمترین مقدار ممکن جهت قائم مقامی پذیرفتند. در اینجا بود که فهمیدم واقعاً داروسازان با وجود داشتن انجمن چقدر از هم بی‌خبرند و یاد واقعه‌ای افتادم که با عرض معدرت از همکاران ناچار بذکر آن هستم. اکثر دوستان منظره ایستادن کارگرهای ساختمانی جهت رفتن به سرکار را در سحرگاهان مشاهده نموده‌اید آنها اگریک ماه هم بیکار بمانند و سرکار نرونده حاضر نیستند ده تومان کمتر از نرخی را که پیشنهاد می‌کنند بگیرند و این مسئله در بین ما تحلیل کردگان وجود ندارد که ناشی از نداشتن اتحاد و هماهنگی جدی در بین خودمان

پاسخگوئی به چنان توقعاتی، روابط میان پزشکان و داروسازان و توقع متناسبان از یکدیگر و ... مسائلی دیگر از این قبیل، به یاری ما بستایند چشم برآه پیشنهادات نوشتها و دردهای شما هستیم.

«تحریریه رازی»

دوست ارجمند جناب آقای دکتر فریدون سیامک نژاد

سلام علیکم.

نامه مورخ ۷۱/۹/۱۴ آنجلاب را به ضمیمه پرسش نامه دریافت داشتم. خواستم نامه را بی جواب بگذارم دیدم شرط ادب نیست نامه‌ای از دوست را بی جواب نهادن. لذا با اختصار و به رسم ادب چند جمله‌ای می‌نویسم که «در خانه اگر کس است یک حرف بس است».

۱- با شما و فکر و قلمتان از طریق مجله رازی آشنا شدم و ارادت یافتم. چون خود بقول معروف اهل «بخیه» هستم - ولو بالآن دوزی در حد مبتدی -



می‌دانم که انتشار مرتب و ماهانه یک مجله علمی چه مشکلات فراوانی دارد. بدین جهت شما و مجله رازی را ستایش می‌کنم و از قسمتهایی که با عقل و سواد و درجه شناخت مخلص منطبق باشد سود لازم را می‌برم.

۲- کسی که فارغ‌التحصیل سال ۱۳۲۹ باشد - از

دانشگاه تهران - و ۴۳ سال طبابت کند و ۲۷ سال نان نوکری دولت را خورده و در بدترین شرائط اجتماعی و اقتصادی در بیمارستانها گاه مرتضی و گاه رئیس کار کرده باشد به یقین حرفهای فراوانی برای گفتن دارد.

ولی به دو دلیل از بازگو کردن آنها معدوم است:

الف - یقین دارم که خود شما با شناختی که از جامعه بطور اعم و جامعه پزشکی به طور اخص دارید به دردها و ریشه‌های آن آشنا هستید، و از آشفته بازار طب و طبابت نیز اطلاع دقیق دارید. لذا در مقابل کسی که در گود سیاست و کیاست و طبابت قرار دارد سخنان امثال من «زیره به کرمان بردن است» و به «لگمان حکمت آموختن».

ب - میل ندارم که در این ایام پایانی عمر و طبابت بر من آن رود که بر آن مرد راستگو رفت. خواهدید پرسید چگونه بوده است آن حکایت.

(گویند مرد زودباری چون من زیر تاثیر فشارهای تبلیغاتی همه جانبه تصمیم گرفت که یک روز، فقط یک روز در زندگی خود راست بگوید. آنچه در دل دارد بگوید. آنچه حق می‌پندارد بر زیان آورد. ریا و دوروثی ننماید. معایب را بازگو نماید و ... می‌دانید آخر همان روز بر او چه گذشت؟)

او را بنام عنصر نامطلوب از اداره‌اش اخراج کردند. جمعی از دوستاش او را ترک نمودند. چندین دعوای فامیلی برای افتاد. زنش از او طلاق گرفت.

بعدهایش شب او را به خانه راه ندادند.

و آخرالامر جامعه بنام کسی که فاقد عقل سليم و پرخاشجو می‌باشد به تیمارستانش سپردهند.

بیمار و طبیب) تلقی می‌شود. بهتر است در موارد ضروری با استفسار از بیمار این مشکل را همکاران داروساز حل کنند.

۲- کفرانس‌های علمی پیشنهادی ایشان نیز منظماً از طرف گروههای تخصصی مختلف برگزار می‌شود، که خبر بعضی از آنها را در صفحه آخر رازی و نیز ماهنامه بعض ملاحظه خواهند فرمود.

۳- در مورد داروسازی بالینی از یکی از همکاران صاحب‌نظر خواسته شده تا مقاله‌ای برای رازی تهیه بفرمایند.

۴- ما هم مطلبی در مورد «پیام آواران بهداشت» شنیده‌ایم اما همینجا از مسئولین محترم بخصوص معاونت محترم داروئی وزارت بهداشت استدعا می‌کنیم که مستنداً و از طریق رازی همکاران داروساز را در جریان امر قرار دهند.

۵- و بالاخره سؤال مربوط به مطب زدن داروسازان را شوختی تلقی می‌کنیم. همکاران داروساز خیلی زرنگ باشد «داروخانه» را از دست ندهند، زدن «مطب» پیشکش!!

«تعزیریه رازی»

لذا به فرمایش رسول اکرم «هیچ چیز مانند زبان سزاوار زندان نیست.»

با تقدیم ارادت و احترام

در حاشیه:

البته از اینکه همکار عزیزمان (نامشان را نمی‌دانم، چون در خاتمه نامه‌شان تنها امضائی داشت که نامی مشخص نبود) خیلی بدینانه به مسائل نگاه کرده‌اند و آنقدر بسته و با ایماء و اشاره نوشته‌اند که پاسخ موشکافانه میسر نیست، لیکن ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که گرچه ما نیز با شما در وجود پاره‌ای نارسانی‌ها هم کلام هستیم، لیکن آنطور که جناب‌الله بدینند، ما نیستیم. اعتقاد داریم که مؤمن بایستی به جای نامید شدن از ناملایمات، با توکل بر خدا، پنجه در پنجه کمی‌ها و کاستی‌ها بیندازد و با کمک یاران و دوستان و مسئولین دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی موانع را از سر راه بردارد. خداوند همه ما را از وسوسه‌های شیاطین بدور داشته و هدایتگرمان در برخورد صحیح با ناملایمات و کثری‌های جامعه باشد.

سردیر

دوست جوانمان آقای کامران صالحی داشجوی داروسازی پاسخ به سوالاتی را از دست اندکاران نشریه رازی خواسته‌اند که پاسخ پاره‌ای از آنها را مانیز نمی‌دانیم. بهرحال آنچه را که در بضاعتمن بود بصورت پاسخ تقدیم می‌کنیم.

۱- ایشان پیشنهاد کرده‌اند که در نسخه بیماران سن - وزن و نوع بیماری توسط پزشک مشخص شود. نوشتن سن و وزن نه تنها ایرادی ندارد که برای مشخص کردن مقدار مصرف دارو نیز ضروری است، اما «نوع بیماری» معمولاً امری خصوصی و محروم‌انه (میان

کنم) آقایان دارو فروشی! هستیم که از علم خویش تنها بمنظور ایجاد دکه کاسبی استفاده کرده، رسالت خویش را از یاد برده‌اند. آیا دیگر موقع آن نیست که نظام درمانی و دارویی کشور دستخوش تحول شده و این افراد که مسئولیت جان افراد را دارند بخود بیایند.

۴- خواستار هستم اگر برای شما امکان دارد در مورد رشته داروسازی بالینی اطلاعات کاملی را یا بصورت خصوصی یا با چاپ در مجله بیان نموده و بفرمایید که در ایران چه داشتگاه‌هایی مشغول به تدریس آن هستند و نظام دارویی کشور تا چه حد به آن اهمیت می‌دهد.

۵- اگر ممکنست بابی را در مجله خویش گشوده و هر بار درباره یکی از کارخانجات داروسازی کشور (یا جهانی) سخن بمیان آورده و درباره تولیدات، تحقیقات و فعالیتهای آن مطالبی را چاپ نمائید.

۶- مسئله پیام آوران بهداشت درباره داروسازان به چه ترتیب است؟

۷- آیا این مسئله صحت دارد که داروسازان می‌توانند همانند پزشکان مطب داشته باشند و اگر چنین است به چه ترتیب.

۸- شنیده‌ام که داروسازان در هر جایی که بخواهند دیگر می‌توانند داروخانه بزنند آیا این مطلب صحت دارد؟

۹- و در انتها باز هم خواستار هستم بمنظور تشویق دولستان داروساز دلسوز در مجله به تشویق آنها پرداخته و افراد بی مسئولیت را مورد سرزنش قرار داده، موأذن‌زده کنید تا این نظام دگرباره جایگاه واقعی خویش را دریابد (زیرا من خود در داروخانه‌ای شاهد بودم که داروی Atenolol را بدون نسخه تحويل شخص تقاضا کننده دادند).

با عرض سپاس و قدردانی
کامران صالحی



دارو مرتكب اشتباهی شوند دولستان داروساز بتوانند اشتباه آنان را تصحیح نموده و با محاسبه صحیح دارو اولاً به درمان کامل بیماری پردازند و ثانیاً از مصرف بی‌رویه دارویی (و گاهی خطناک) جلوگیری می‌شود.
۲- کنفرانس‌های ماهیانه‌ای در مجتمع پزشکی (مثلًاً در نظام پزشکی) برقرار گردد و از تازه‌های دارو درمانی برای پزشکان و داروسازان سخن بمیان آید و مورد بحث قرار بگیرد.
۳- متأسفانه باز هم شاهد دولستان (که چه عرض